



۲۷

اسفند

۱۳۹۴

پنج شنبه

نوروز، جشن کهن ایرانی

نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های به جا مانده از دوران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و هنوز مردم مناطق مختلف فلات ایران، نوروز را جشن می‌گیرند. زمان برگزاری نوروز، در آغاز فصل بهار است. نوروز در ایران و افغانستان، آغاز سال نو محسوب می‌شود و در برخی دیگر از کشورها، تعطیل رسمی است.

بنا به پیشنهاد جمهوری آذربایجان، مجمع عمومی سازمان ملل در نشست ۴ اسفند ۱۳۸۸ (۲۳ فوریه ۲۰۱۰)، ۲۱ ماه مارس را به‌عنوان روز جهانی عید نوروز، با ریشهٔ ایرانی به‌رسمیت شناخت و آن را در تقویم خود جای داد. در متن به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳ هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند، توصیف شده‌است.

پیش از آن در تاریخ ۸ مهر ۱۳۸۸ خورشیدی، نوروز توسط سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، به عنوان میراث غیر ملموس جهانی، به ثبت جهانی رسیده‌بود. در ۷ فروردین ۱۳۸۹ نخستین دوره جشن جهانی نوروز در تهران برگزار شد و این شهر به عنوان «دبیرخانه نوروز» شناخته شد.

زمان نوروز

جشن نوروز از لحظه اعتدال بهاری آغاز می‌شود. در دانش ستاره‌شناسی، اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی در نیم‌کره شمالی زمین به لحظه‌ای گفته می‌شود که خورشید از صفحه استوای زمین گذشته و به سوی شمال آسمان می‌رود. این لحظه، لحظه اول برج حمل نامیده می‌شود و در تقویم هجری خورشیدی با نخستین روز (هرمز روز یا اورمزد روز) از ماه فروردین برابر است. نوروز در تقویم میلادی با ۲۱ یا ۲۲ مارس مطابقت دارد.

در کشورهایی مانند ایران و افغانستان که تقویم هجری شمسی به کار برده می‌شود، نوروز، روز آغاز سال نو است. اما در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تقویم میلادی متداول است، نوروز به عنوان آغاز فصل بهار جشن گرفته می‌شود و روز آغاز سال محسوب نمی‌شود.

واژه نوروز

واژه نوروز یک اسم مرکب است که از ترکیب دو واژهٔ فارسی «نو» و «روز» به وجود آمده‌است. این نام در دو معنی به‌کار می‌رود؛ ۱) نوروز عام؛ روز آغاز اعتدال بهاری و آغاز سال نو ۲) نوروز خاص؛ روز ششم فروردین با نام «روز خرداد» ایرانیان باستان از نوروز به عنوان ناوا سردا یعنی سال نو یاد می‌کردند. مردمان ایرانی آسیای میانه نیز در زمان سغدیان و خوارزمشاهیان، نوروز را نورسارد و نوسارجی به معنای سال نو می‌نامیدند.

واژه نوروز در الفبای لاتین

در متن‌های گوناگون لاتین، بخش نخست واژه نوروز با املای No،Now،Nov و Naw و بخش دوم آن با املای Ruz، Rooz

رسید موکب نوروز و چشم فتنه غنود

دروود باد بر این موکب خجسته، درود

به هر که درنگری، شادیی پزد در دل

به هر چه بر گذری، انذهی کند بدرود

و Rouz نوشته شده است. در برخی از مواقع این

دو بخش پشت سر هم و در برخی با فاصله نوشته می‌شوند. اما به باور دکتر احسان یارشاطر بنیان‌گذار دانشنامه ایرانیکا، نگارش این واژه در الفبای لاتین با توجه به قواعد آواشناسی، به شکل **Nowruz** توصیه می‌شود. این شکل از املای واژه نوروز، هم‌اکنون در نوشته‌های یونسکو و بسیاری از متون سیاسی به کار می‌رود.

پیشینه نوروز

منشا و زمان پیدایش نوروز، به درستی معلوم نیست. در برخی از متن‌های کهن ایران ازجمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید و در برخی دیگر از متن ها، کیومرث به‌عنوان پایه‌گذار نوروز معرفی شده است. پدیدآوری نوروز در شاهنامه، بدین گونه روایت شده است که جمشید در حال گذشتن از آذربایجان، دستور داد تا در آنجا برای او تختی بگذارند و خودش با تاجی زرین بر روی تخت نشست. با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را روز نو نامیدند.

برخی از روایت‌های تاریخی، آغاز نوروز را به بابلیان نسبت می‌دهند. بر طبق این روایت‌ها، رواج نوروز در ایران به ۵۳۸ سال قبل از میلاد یعنی زمان حمله کورش بزرگ به بابل بازمی‌گردد. همچنین در برخی از روایت‌ها، از زرتشت به‌عنوان بنیان‌گذار نوروز نام برده شده است. اما در اوستا (دست کم در گاتها) نامی از نوروز برده نشده است.

نوروز در زمان سلسله هخامنشیان

برخی از پژوهشگران، این مراسم را به نوروز مربوط می‌دانند. کوروش دوم بنیان‌گذار هخامنشیان، نوروز را در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. وی در این روز برنامه‌هایی برای ترفیع سربازان، پاسکاری مکان‌های همگانی و خانه‌های شخصی و بخشش محکومان اجرا می‌نمود. این آیین‌ها در زمان دیگر پادشاهان هخامنشی نیز برگزار می‌شده است. در زمان داریوش یکم، مراسم نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد؛ البته در سنگ‌نوشته‌های به‌جا مانده از دوران هخامنشیان، به‌طور مستقیم اشاره‌ای به برگزاری نوروز نشده است. اما بررسی‌ها بر روی این سنگ‌نوشته‌ها نشان می‌دهد که مردم در دوران هخامنشیان با جشن‌های نوروز آشنا بوده و هخامنشیان نوروز را با شکوه و بزرگی جشن می‌گرفتند. شواهد نشان می‌دهد داریوش اول هخامنشی، به مناسبت نوروز در سال ۴۱۶ قبل از میلاد سکه‌ای از جنس طلا ضرب نمود که در یک سوی آن سربازی در حال تیراندازی، نشان داده شده است. در دوران هخامنشی، جشن نوروز در بازای زمانی، میان ۲۱ اسفند تا ۱۹ اردیبهشت برگزار می‌شده است. نگاره مراسم پیشکش هادیا به پادشاه ایران در تخت جمشید. برخی از پژوهشگران، این مراسم را به نوروز مربوط می‌دانند.

نوروز در زمان اشکانیان و ساسانیان

در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز نوروز گرامی داشته می‌شد. در این دوران، جشن‌های متعددی در طول یک سال برگزار می‌شد که مهمترین آنها

تاریخچه هفت سین از گذشته تا به امروز

نماد اهورا مزداست. در دوران ساسانیان

کتاب اوستا را برخوان گذاشته و قبل از فرا رسیدن سال، قسمتی از آن را که معمولا «فروردین یشت» است، می‌خواندند و از فرورهای شاهان، پاکان، پارسایان، دلاوران و شهسواران که در «فروردین یشت» نام آنها آمده، یاد می‌کردند.

امروز بر سر سفره نوروزی ما مسلمانان، قرآن و بر سر خوان نوروزی کلیمان، تورات گذاشته می‌شود و هر کس قسمتی از کتاب دینی خود را می‌خواند تا سال نو را با آیه‌های مبارک الهی شروع کرده باشد.

کوزه آب

در گذشته کوزه آب که توسط دختران نابالغ از چشمه‌ها پر می‌شد با زبتي از گردنبندها بر سر خوان نوروزی نهاده می‌شد. امروزه کوزه سفالی را پر از آب کرده و به جای جواهرات با سبزه و روبان تزئین می‌کنند، سپس همراه با تاس مسین پر از آب و برگ‌های آویشن در حالی که یک عدد انار سرخ هم در آن نهاده‌اند، بر سفره می‌گذارند.

نان

در گذشته، نان که نمادی از برکت است را بر سر سفره نوروزی می‌گذاشتند و اکنون نیز یا نان سنگک بزرگی می‌پزند و برای برکت سفره بر آن می‌گذارند یا اینکه نان را به صورت کماج شیرین درآورده و بر خوان نوروزی می‌نهند. در زمان ساسانیان کرده نان‌هایی به اندازه یک کف دست یا اندکی کوچکتر می‌پختند که به آنها «درون» می‌گفتند و گاهی بر آن نوعی نیایش می‌خواندند و بدین ترتیب نان‌های نوروزی را برکت می‌بخشیدند.

امروزه زرتشتیان علاوه بر نان معمولی نان‌های دیگری مانند کماج، نان شیر و چند نوع شیرینی خانگی که بیشتر جنبه تشریفاتی دارد، می‌گذارند.

بر سر سفره هفت سین یزدی‌ها شیرینی‌های معروف یزدی هم به چشم می‌خورد که معمولا در دیس‌های بزرگ به طرز زیبایی چیده می‌شود و در اعیاد و جشن‌ها و به ویژه عید نوروز مصرف فراوان دارد.

تخم مرغ

تخم مرغ بن مایه خوان نوروزی است و به صورت رنگ کرده می‌بایست بر سر سفره هفت سین جلوه نمایی کند، زیرا که تخم و تخمه نمادی است از نطفه و ژاد و در روز جشن تولد آدمیان که تخمه و نطفه پدیدار می‌گردد، تخم مرغ تمثیلی است از نطفه باروری که به زودی باید جان بگیرد و زندگی یابد و زایش کیهانی انجام پذیرد. پوست آن هم نمادی است از آسمان و طاق کیهان.

آیینه

به اعتقاد زرتشتی‌ها چون آخرین ماه سال زمان تولد آدم ابوالبشر است، بنابراین باید نمادی از آن در خوان نوروزی باشد تا شکل پذیری آسان شود. از این رو آیینهای در بالای خوان نهاده می‌شود و در اطراف آن شمع یا چراغی می‌گذارند. اغلب تعداد شمع‌ها با تعداد فرزندان خانواده ارتباط دارد و نیز آیینه‌ای دیگر در زیر تخم مرغ گذاشته می‌شود تا انعکاس وجود آدمی در آیینه دیده شود و نیز آیینه زیر تخم مرغ هم نمایانگر تحویل سال است.

وقتی که گاو آسمانی، کره زمین را از شاخی به شاخ دیگر می‌افکند در آن زمان تخم مرغ بر روی آیینه خواهد جنبید، در جلوی آیینه هم مشتی گندم به نشانه روزی فراخ می‌پاشند.

نوروز و مهرگان بوده است. برگزاری جشن نوروز در دوران ساسانیان چند روز (دست کم شش روز) طول می‌کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ تقسیم می‌شد. نوروز کوچک یا نوروز عامه پنج روز بود که از یکم تا پنجم فروردین گرامی داشته می‌شد و روز ششم فروردین (خردادروز)، جشن نوروز بزرگ یا نوروز خاصه برپا می‌شد. در هر یک از روزهای نوروز عامه، طبقه‌ای از طبقات مردم (دهقانان، روحانیان، سپاهیان، پیشه‌وران و اشراف) به دیدار شاه می‌آمدند؛ شاه به سخنان آنها گوش داده و برای حل مشکلات آنها دستور صادر می‌کرد. در روز ششم، شاه حق طبقات گوناگون مردم را ادا کرده بود و در این روز، تنها نزدیکان شاه به حضور وی می‌آمدند.

شواهدی وجود دارد که در دوران ساسانی، سال‌های کیبسه رعایت نمی‌شده است، بنابراین

نوروز هر چهار سال، یک روز از موعد اصلی خود (آغاز برج حمل) عقب می‌ماند؛ درنتیجه زمان نوروز در این دوران همواره ثابت نبوده و در فصل‌های گوناگون سال جاری بوده است. اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانیان، در سال ۲۳۰ میلادی از دولت روم که از وی شکست خورده بود، خواست که نوروز را در این کشور به رسمیت بشناسند. این درخواست مورد پذیرش سنای روم قرار گرفت و نوروز در قلمرو روم به Lupercal معروف شد.

در دوران ساسانیان، ۲۵ روز پیش از آغاز بهار، در دوازده ستون که از خشت خام برپا می‌کردند، انواع حیوانات و غلات (برنج، گندم، جو، نخود، ارزن و لوبیا) را می‌کاشتند و تا روز شانزدهم فروردین آنها را جمع نمی‌کردند. هر کدام از این گیاهان که بارورتر شود، در آن سال محصول بهتری خواهد داد. در این دوران همچنین متداول بود که در بامداد نوروز، مردم به یکدیگر آب پاشند. از زمان هرمز اول مرسوم شد که مردم در شب نوروز آتش روشن نمایند. همچنین از زمان هرمز دوم، رسم دادن سکه در نوروز به‌عنوان عیدی متداول شد.

نوروز پس از اسلام

نشانه‌ای از برگزاری آیین‌های نوروز در زمان امویان، در دست نیست و در زمان عباسیان نیز به نظر می‌رسد که خلفا گاهی برای پذیرش هدایای مردمی، از نوروز استقبال می‌کرده‌اند. با روی کار آمدن سلسله‌های سامانیان و آل بویه، جشن نوروز با گسترده‌گی بیشتری برگزار شد. در دوران سلجوقیان، به دستور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی تعدادی از ستاره شناسان ایرانی از جمله خیام برای بهترسازی گاهشمار ایرانی، گرد هم آمدند. این گروه، نوروز را یکم بهار قرار داده و جایگاه آن را ثابت

سمنو

سمنو که از جوانه‌های تازه رسیده گندم تهیه می‌شود، نماد فراوانی خوراک و غذاهای خوب و پر نیرو است و نیز نمادی برای زایش گیاهی و بارور شدن گیاهان توسط فرورهاست.

سنجد

سنجد که عطر برگ و شکوفه‌های آن محرک عشق و مهر است و از مقدمات اصلی زاینده گی به شمار می‌آید، باید بر سر خوان نوروزی نمایا باشد. وجود سنجد در سفره نوروزی انگیزه زایش کیهانی است. گاه زرتشتیان دانه‌های سنجد را با آویشن در هم می‌آمیزند و همراه با نقل و سکه بر سر سفره نوروزی می‌گذارند.

سیر

نماد میکروب زدایی و پاکیزگی محیط زیست و سلامت بدن و نیز زدودن چشم زخم است که باید حتما بر سر سفره نهاده شود.به اعتقاد زرتشتیان بوی سیر، دیوان را می‌گریزند. زرتشتیان سیر را با تکه‌های نان که در آن ترد کرده‌اند، در مراسم پرسه با سداب به کار می‌برند و بر سر سفره نیایش می‌گذارند.

پوست سیر را هرگز در جایی نمی‌گذارند؛ زیرا معتقدند از سحر هم بدتر است، به همین جهت برای کندن پوست آن ابتدا سیر را در آب می‌خیسانند و بعد پوستش را می‌کنند، هم چنین معتقدند اگر پوست سیر را با پیاز گلپر و اسفند در خانه بسوزانند، به خصوص در صبح روز پنجشنبه، بویش، خانه را پاک می‌کند.

سره

همانند سیر نمایانگر پاکي محیط، زدودن آلودگی و باطل کردن سحر و جادو است.

سماق

سماق نماد عشق مهر و پیوند دلهاست که بر سر سفره هفت سین نهاده می‌شود.

سپند(اسفند)

اسفند نیز نشانه‌ای است از دفع چشم زخم که در زمان‌های کهن، مقدس بوده و در مراسم نیایشی به کار می‌رفته است. امروزه نیز از آن برای دفع چشم زخم و به نیت درود فرستادن برای عزیزان از دست رفته و همچنین ضد عفونی کردن محیط استفاده می‌شود.

زرتشتیان اسفند را در خوانچه مخصوصی می‌نهند؛ چراکه نشانه همه امشاسپندان و مقدسان است. اسفند همراه با کندر و دیگر خوشبوهای مخصوص آتش همیشه در خانه زرتشتیان وجود دارد و روزی ۲ تا ۳ بار آن‌ها را برآتش می‌ریزند، به خصوص در مراسم سوگواری و شادی، اسفند دود کردن امری رایج است.

سکه

پول زرد و سفید در خوان نوروزی نمادی است از شهریور امشاسپند که موکل است بر فلزات و بودن آن بر سر خوان که موجب برکت و سرشاری کیسه است.

بر سر خوان نوروزی زرتشتیان و گاه غیر زرتشتیان چیدنی‌های دیگر هم نهاده می‌شود؛ شیرینی و نقل که نماد شیرین کامی است؛ گلابدان پر از گلاب و همچنین سبزی خوردن، پنیر و کاهو که طراوت و نیز زیبایی سفره را دو چندان می‌کند.در برخی از سفره‌ها آرد هم وجود دارد که آن هم نمادی است از برکت نوروزی اما دو چیز مهم دیگر بر سر سفره هفت‌سین نمادین است، یکی انار و دیگری تنگ ماهی.

انار

ویژه

۵

شماره

۱۶۴۲

سال

بیست و یکم



نمودند. بر اساس این گاهشمار که به تقویم جلالی معروف شد، برای ثابت ماندن نوروز در آغاز بهار، مقرر شد که هر چهار سال یک‌بار، تعداد روزهای سال را (به‌جای ۳۶۵ روز)، برابر با ۳۶۶ روز در نظر بگیرند. طبق این قاعده، می‌بایست پس از انجام این کار در ۷ دوره، در دوره هشتم، به جای سال چهارم، بر سال پنجم یک روز بیفزایند. این گاهشمار از سال ۳۹۲ هجری آغاز شد.

نوروز در دوران صفویان نیز برگزار می‌شد. در سال ۱۵۹۷ میلادی، شاه عباس صفوی مراسم نوروز را در عمارت نقش جهان اصفهان برگزار نمود و این شهر را پایتخت همدیگی ایران اعلام نمود.

نوروز در دوران معاصر

نوروز به عنوان یک میراث فرهنگی در دوران معاصر، همواره مورد توجه مردم قرار داشته و هر ساله برگزار می‌شود. البته برگزاری جشن نوروز به صورت آشکار در برخی از کشورها توسط برخی حکومت‌ها برای مدت زمانی ممنوع بوده است. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود و این ممنوعیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت. با این وجود، مردم این مناطق، نوروز را به‌گونه پنهانی و یا در روستاها جشن می‌گرفتند. همچنین برخی از مردم این مناطق برای جلب موافقت مقامات محلی، نام دیگری بر روی نوروز می‌گذاشتند؛ به‌طور مثال در تاجیکستان، مردم با اطلاق جشن لاله یا جشن ۸ مارس، سعی می‌کردند که آیین‌های نوروز را بی مخالفت مقامات دولتی به جای آورند. همچنین در افغانستان، در دوران حکومت طالبان، برگزاری جشن نوروز ممنوع بود و این حکومت تنها تقویم هجری قمری را به رسمیت می‌شناخت.

انار از مقدس ترین درختان است که تقدسش را همچنان تا به امروز حفظ کرده است. درخت انار به سبب رنگ سبز تند برگ‌هایش و نیز به جهت رنگ و شکل فنجچه و گل ماندنش، همانند آتشدان است و همیشه مقدس بوده است. پرندگانی انار نماینده برکت و باروری و رزق فراوان است و نمادی است از باروری ناهید.

زرتشتیان معمولا در تاس مس پر از آب یک عدد انار هم می‌گذارند، با این باور که این میوه پرده‌انه در سال جدید برکت و رزق فراوان برای خانواده به همراه داشته باشد، به ویژه انارهای خوش آب و رنگ و آبدار شهر کویری یزد که اکثرا برای استفاده در سفره‌های هفت سین در پوششی از کاه در گودال‌های زمینی نگهداری می‌شود تا در سال نو به زیبایی سفره هفت سین بیفزاید.

ماهی

یکی دیگر از زینت دهندگان سفره هفت سین، ماهی است، اسفند ماه در برج حوت است و حوت یعنی ماهی. در هنگام نوروز برج حوت به برج حمل تحویل می‌گردد و از این رو نمادی از آخرین ماه سال در خوان نوروزی گذاشته می‌شود. علاوه بر آن ماهی یکی از نمادهای آناهیتا فرشته آب و باروری است که وظیفه اصلی نوروز را که باروری است بر عهده دارد. خوردن سبزی پلو با ماهی نیز در شب عید از این روست و ظرف پر از آب با چند ماهی قرمز نمادزیست از روزی حلال.

گل بیدمشک

گل بیدمشک نمادی است از اسپندارمذامشاسپند و گل نیز ویژه اسفند ماه است، به خصوص گل بیدمشک که از عطر خاصی نیز برخوردار است و در مساحت ساختن فضای خانه نقش بسزایی دارد.

انرنج

نمادی است از گوی زمین و هنگامیکه در ظرف آبی نهاده شده باشد، نمادی است از گوی زمین در کیهان و گردش آن بر روی آب نمودار گذاشتن برج‌های دوازده گانه و تحویل سال است.

علاوه بر این‌ها بر سر سفره زرتشتیان کاسه‌ای پر از پالوده خانگی و نیز کاسه‌ای از خشکبار ترش مزه مانند برگه شفتالو، برگه زردآلو، آلبالو و آلوچه را که قبل از آب خیسانده‌اند، نیز می‌گذارند و نیز مقداری پسته، فندق، بادام زمینی و تخمه را که قبلا خندان کرده و بو داده‌اند، داخل کیسه‌ای به نام دولک می‌ریزند و به عنوان آجیل نوروزی بر سر سفره می‌نهند.

علاوه بر آن بر سر سفره هفت سین گلهای زیبا و خوشبویی چون گل نرگس، گل سنبل و گل شب بـو که نوید بخش بهار هستند، دیده می‌شود.

زمانیکه سفره چیده شد همه اهل خانه حمام رفته و لباس نو پوشیده، گرد سفره هفت سین می‌نشینند و چند دقیقه مانده به تحویل سال همگی با هم با خواندن سرودهایی، خداوند را سپاس و نیایش می‌کنند.

سال که تحویل شد جلملگی با شادی وصف ناپذیری سال جدید را تبریک گفته، ربوبسی می‌کنند؛ بانوی خانه آینه و گلاب پاش را از سر سفره برداشته و گلاب را در دست هر کدام می‌ریزد و همزمان آیینه را رو به روی چهره آنها می‌گیرد تا روی خود را ببیند. این کار از سالخورده ترین فرد خانواده شروع می‌شود.

آن گاه همگی به وسیله نقل خوشمزه یزدی(معمولا نقل بیدمشکی، نقل بادام و یا نقل پسته) که در قنادی‌های یزد تهیه می‌شود و نیز سایر شیرینی‌ها، پذیرایی شده و دهانشان را شیرین می‌کنند. سپس پدر خانواده به همه اعضای خانواده عیدی می‌دهد و بعد از آن مقداری از غذاهای درون سفره با شادی صرف می‌شود.